اَللهِ جَبّارِ اَلضّارّ

جلد چهارم

قانون

نیما شهسواری

سخنی با شما

به نام آزادی، یگانه منجی جانداران.

ای به چشم بخورد و همگان راهایم چنین نگاشته‌دانم تا در سرآغاز کتاب‌بر خود وظیفه می واسطه آن برخی رااز این درخواست باخبر سازم. نیما شهسواری، دست به نگاشتن کتبی زد تا به چنین‌به خود بخواند، قشری را به آزادگی دعوت کند، موجبات آگاهی برخی گردد و این واسطه رزمش تجارتی برپا دارد و این رزم پاک‌افکارش را نشر دهد. بر خود، ننگ دانست تا به را به ثروت مادی آلوده سازد.

هدف و آرمان من از کسی پوشیده نیست و برای دانستن آن نیاز به تحقیق گسترده نباشد؛ زیرا که هماره سخن را ساده و روشن بیان داشتم و اگر کسی از آن مطلع نیست، حال دگربار بازگو شود.

کران خداوند، الله، یهوه، عیسی، انسان و یا هر نام دیگری که‌های بی‌به پا خاستم تا برابر ظلم غایت و هدف را هماره با قدرت تلاقی داده است، فریاد برآورم و آزادی همه جانداران را فراهم سازم؛ رهایی جاودانی که دارای یک قانون است و آن احترام و آزار نرساندن به دیگر جانداران، ها است‌گیاهان، حیوانات و انسان.

دانم که در راستای رسیدن به این هدف والا که همانا آزادی است، قانون‌بر خود ننگ می رهایی را نقض و باعث آزار دگر جانداران شوم.

توان راه گذشتگان را در پیش نگرفت و دگر چون‌با مدد از علم و فناوری امروزی، می گذشته برای نشر کتب از کاغذ استفاده نکرد؛ زیرا که این کاغذ از تن والای درختان زیبا غارت گاه‌شود و موجبات مرگ این جاندار و تخریب طبیعت را حادث گردد. من خود هیچ ام از ناشران کتب، نشر ندادن این‌هایم را بر کاغذ، جان درخت، نشر ندادم و تنها خواسته‌نگاشته رسانی‌ها بر کاغذ است؛ حال چه از روی سودجویی و چه برای ترویج و اطلاع‌نگاشته.

گیری از فناوری در برابر مرگ و تخریب درختان، این جانداران والا،توان با بهره‌امروز می مدد از این‌شک بی‌دانید که بی‌ایستادگی کرد؛ پس اگر شما خود را مبلغ افکار آزادگی می گاه به قتل طبیعت دست نخواهید زد. اگر هم تنها هدفتان سودجویی است و برنگاشته نیز هیچ توانید از فناوری بهره بگیرید تاعام درختان می‌بهره از کشتار و قتل‌این پیشه پا فشارید، بی حق و قابل تکریم گرددکردارتان از دید من و دیگر آزاداندیشان به.

امید آزادی و رهایی همه جانداران‌به

سخن گردآورنده

کتاب الله جبار الضار ، گردآمده است تا مردمان با چهره راستین اسلام روبرو شوند و فرای نگارههای دینی و در لفافه نگاه داشته شدن اسلام چهره حقیقی و ابعاد در خفا مانده از آن را بیشتر از پیش به نظاره بنشینند.

این کتاب، از چهار بخش اصلی جهان اسلام تشکیل شده است. قانون ، فقه ، تاریخ و حدیث تنها از متون قابل وثوق اسلامی ، که نزد مسلمانان از اعتبار بالایی برخوردار است استفاده شده.

بر این متون چیزی افزوده و یا کاسته نشده است و گردآورنده ، هیچ دخل و تصرف و یا تفسیری به آن نیفزوده است تنها سعی شده تا عناوینی که دران ظلم، تبعیض و هر زشتی دیگری توسط اسلام بیان شده است را گردآورد.

ترین اصل اسلامی در کتابی تحت عنوان گواه ظلم مورد بررسیعنوان مهمقران ، به قرارگرفته است، در این کتاب سعی شده تا عناوین دیگر جهان اسلام که هرکدام به قوت قران در شکل امروزی اسلام و شرایط زندگی مسلمانان و تمام مردم جهان تأثیر دارد مورد بررسی قرار گیرد.

هایدو اصل مهم که در این گرداوری به آن پایبند بودم در وهله اول ، استفاده از کتاب مرجعی که برای مسلمانان مقدس ، محترم و تأثیرگذار است و دوم اینکه ، بر این متون چیزی افزون نکنم و تفسیری به آن اضافه نشود که هر جمله از این نگارهها نیازمند کتابی مجزا و تفسیر از زشتیهای درون آن است.

ها بگشاید تا بیشتر اسلام را بشناسند وبه امید آنکه، این گرداوری دریچهای برای همه انسان با دانش به حقیقت آن به این باور پایبند باشند.

رفت جهان از تمام مصیبتهاستها که راهگشای برونبه امید بیداری همه انسان.

فصل اول تشیع

پیشگفتار

این بخش از کتاب اختصاص دارد به قوانین جزائی، که در کشور جمهوری اسلامی ایران شوداجرا می.

متن، برگرفته از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ شامل چهار بخش، کلیات، حدود، قصاص و دیه است و بخش تعزیرات در این نگاره استفاده نشده است. متن کامل این قانون در دسترس همگان است، که مشتمل بر ۷۲۸ ماده قانونی است.

ترین قطب شیعه دنیا با حکومتی اسلامی، پایبند به اصول شیعیعنوان بزرگ‌امروز ایران، به گری در جهان استشود و نمونهای بارز از حکومت اسلامی با نگاه شیعیاداره می.

در بخش قوانین ، تنها به قانونهای مجازات اشاره کردهام هرچند با رجوع به قانون اساسی و واسطهقوانین مدنی هم میشود نمونههایی از ظلمها و نابرابریهای مندرج در نگاره را دریافت، اما به شده بود تا هیچ دخل و تصرفی از گردآورندهاینکه این کتاب از گام نخست بدین گونه ترسیم دران لحاظ نشود، سعی شده تا از عناوینی استفاده شود که نیازی به توضیح و تفسیر نداشته باشد و خود متن گویای حقیقت جهان اسلام، امروز و تصویر این باور در جهان باشد. هرچند در یابیم، لکن‌های این قانون باید تفاصیلی افزوده میشد تا بیشتر به این مفاهیم دستبسیاری از بخش از نگاشتن برخی از مواد و همچنین هرگونه تفصیلی خودداری کردم تا تنها به همان مفاهیم اسلامی رجوع کنیم و بیشتر از پیش با این مبانی فکری آشنا شویم و بدانیم حقیقت اسلام از روز هایی با این ساختار و مدد از این باور با مردمان چه میکنندنخستین چه بوده، و امروز حکومت.

باشد تا دریچهای برای بهتر شناختن و ایمان، بادانش فراهم آورد و روزی را در جهان شاهد واسطه دانستههایش باوری برای زندگی اتخاذ کندباشیم ، که ایمان موروثی نباشد و هر کس به.

قانون جزایی ایران

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

ماده ۳

قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاص که در قلمرو و حاکمیت زمینی ، دریایی و هوایی موجب قانون ترتیب‌که به‌شود مگر آن‌جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می دیگری مقررشده باشد.

ماده ۴

شده‌هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع در جمهوری اسلامی ایران است.

ماده ۱۴

های مقرر در این قانون چهار قسم استمجازات:

الف : حد

ب : قصاص

پ : دیه

ت : تعزیر

ماده ۱۵

شده‌حد مجازاتی است که موجب، نوع میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس ، تعیین است.

ماده ۱۶

قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس ، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در شودکتاب سوم این قانون اعمال می.

ماده ۱۷

دیه اعم از مقدر و غیرمقدر ، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر موجب قانون‌نفس ، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به شودمقرر می.

ماده ۱۹

شودهای تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌مجازات:

درجه یک

حبس بیش از ۲۵ سال

جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال

مصادره کل اموال

انحلال شخص حقوقی

درجه دو

حبس بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال

جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال

درجه سه

بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال

جزای نقدی بیش از ۳۶۰ میلیون ریال تا ۵۵۰ میلیون ریال

درجه چهار

حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال

جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون ریال تا سیصد و شصت میلیون ریال

انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

درجه پنج

حبس بیش از ۲ تا ۵ سال

جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون ریال تا یکصد و هشتاد میلیون ریال

محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از ۵ تا ۱۵ سال

ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی

ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه شش

حبس بیش از ۶ ماه تا ۲ سال

جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال

شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت

محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از ۶ ماه تا ۵ سال

هاانتشار حکم قطعی در رسانه

ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجه هفت

حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه

جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال

شلاق از ۱۱ تا ۱۳

محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه

درجه هشت

حبس تا ۳ ماه

جزای نقدی تا ده میلیون ریال

شلاق تا ۱۰ ضربه

ماده ۱۲۲

واسطه عامل خارجهر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید ، لکن به شوداز اراده او قصدش معلق بماند ، به شرح زیر مجازات می:

ها سلب حیات ، حبس دائم یا حبس تعزیریالف : در جرائمی که مجازات قانونی آن یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهاردرجه

ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است بهب : در جرائمی که مجازات قانونی آن حبس تعزیری درجه پنج

ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به‌پ : در جرائمی که مجازات قانونی آن حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

تبصره : هرگاه رفتار ارتکابی ، ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته ، لکن به جهات مادی شده در حکم شروع به‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد ، اقدام انجام‌ها بی‌که مرتکب از آن .جرم است

ماده ۱۳۲

در جرائم موجب حد، تعدد جرم ، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ها یکسان باشدارتکابی و نیز مجازات آن

تبصره ۱: چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد ، تنها اعدام اجرا .شودمی

تبصره ۲: چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند ، فقط مجازات .شودشود، مانند تفخیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌اشد اجرا می

تبصره ۳: اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند ، چنانچه مجازات اعدام و جلد .شودیا رجم و جلد ثابت باشد ، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می

.گرددتبصره ۴: چنانچه قذف ، نسبت به دو یا چند نفر باشد ، دو یا چند مجازات اجرا می

ماده ۱۳۳

شود. لکن چنانچه مجازات حدی‌ها جمع می‌در تعدد جرائم موجب حد و قصاص ، مجازات ، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد ، اجرای قصاص ، مقدم است در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیگر ، مجازات حدی .شوداجرا می

ماده ۱۳۴

جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن کند و هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم باشد ،جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می اضافه‌مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اجرانماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل‌نصف آن تجاوز نکند ، تعیین می است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود ،

.گرددمجازات اشد بعدی اجرا می

ماده ۱۳۵

ها جمع ودر تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات الناس یا تعزیرشود مگر حد یا قصاص ، سلب حیات و تعزیر ، حق‌ابتدا حد یا قصاص اجرا می معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا .گرددمی

که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرتبصره: درصورتی شودحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا ، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می گردد ، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام‌و مجازات تعزیری ساقط می .شودبه دیگری باشد ، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می

ماده ۱۳۶

هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری .گردد ، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است

ماده ۱۵۰

هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب ، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلابه جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل .شودمناسب نگهداری می

توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که درشخص نگهداری شده یا خویشاوند او می این صورت ، دادگاه با حضور معترض ، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیر این‌رسیدگی می کند این حکم قطعی است ولی شخص‌صورت در تائید دستور دادستان ، حکم صادر می نگهداری شده یا خویشاوندان وی ، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این .حکم را دارند

های روانی ، مرتکب ،این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را .صادر کند

تبصره ۱: هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی‌شود حد ساقط نمی هایی که‌افتد. نسبت به مجازات‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم ، جنون مانع ازجنبه حق تعقیب و رسیدگی نیست.

تبصره ۲: قوه قضاییه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضایی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن ، قسمتی از مراکز شوددرمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می‌روان.

ماده ۱۹۹

نصاب شهادت در کلیه جرائم ، دو شاهد مرد است مگر در زنا ، لواط ، تفخیذ و مساحقه که گردد. برای اثبات زنای موجب حد ، جلد ، تراشیدن و یا تبعید ، دوبا چهار شاهد مرد اثبات می مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است ، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دوشهادت دهند تنها حد شلاق ، ثابت می شاهد زن نیز قابل اثبات است.

ماده ۲۱۲

که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم ، بَین باقی بماند ، آن‌درصورتی ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علمی خود و جهات رد ادله دیگر ، رأی هاکند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود ، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌صادر می شودرأی صادر می.

ماده ۲۱۹

تواند کیفیت ، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یادادگاه نمی ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل‌تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات سقوط ، تقلیل یا تبدیل است.

ماده ۲۲۱

ها نبوده و از موارد وطی به‌زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن شبهه نیز نباشد.

.شودگاه در قبل یا دبر زن محقق می‌اندازه ختنه‌تبصره ۱: جماع با دخول اندام تناسلی مرد به

ها نابالغ باشد ، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات‌تبصره ۲: هرگاه طرفین یا یکی از آن شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم‌نمی .گرددمی

ماده ۲۲۲

جماع با میت ، زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست لکن موجب ۳۱ .شودتا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ می

ماده ۲۲۴

:حد زنا در موارد زیر اعدام است

الف: زنا با محارم نسبی

.ب : زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است

.پ : زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است

.ت : زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است

تبصره ۱ : مجازات زانیه دربندهای ب و پ حسب مورد ، تابع سایر احکام مربوط به زنا .است

تبصره ۲ : هرگاه کسی با زنی که راضی به زنای با او نباشد در حال بیهوشی ، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنای به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از شود نیز حکم فوق جاری‌طریق ربایش ، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن می .است

ماده ۲۲۵

حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است ، در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد ، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه .باشدشلاق برای هر یک می

ماده ۲۲۶

شوداحصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می:

که بالغ وکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و درحالیالف: احسان مرد عبارت است از آن عاقل بوده از طریق قبل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبل را با وی داشته باشد.

که بالغ وکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و درحالیب: احصان زن عبارت است از آن عاقل بوده، با او از طریق قبل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبل را با شوهر داشته باشد.

ماده ۲۲۸

در زنا با محارم نسبی و زنای محصنه ، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط ۱۰۰ ضربه شلاق است.

ماده ۲۲۹

مردی که همسر دائم دارد ، هرگاه قبل از دخول ، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق ، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است.

ماده ۲۳۰

حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۳۳

گاه در دبر انسان مذکر استاندازه ختنهلواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به.

ماده ۲۳۰

حد لواط برای فاعل ، در صورت عنف ، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان ، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است.

حد لواط برای مفعول درهرصورت وجود یا عدم احصان اعدام است.

که فاعل غیرمسلمان و مفعول ، مسلمان باشد ، حد فاعل اعدام استتبصره ۱: درصورتی.

که بالغکه مرد همسر دائمی و بالغ داشته باشد و درحالیتبصره ۲: احصان عبارت است از آن و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

ماده ۲۳۵

.ها یا نشیمنگاه انسان مذکر استتفخیذ عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران

.گاه در حکم تفخیذ استتبصره: دخول کمتر از ختنه

ماده ۲۳۶

جهت فرقی میان محصن و غیردر تفخیذ ، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و ازاین محصن و عنف و غیر عنف نیست.

.که فاعل غیرمسلمان و مفعول ، مسلمان باشد ، حد فاعل اعدام استتبصره : درصورتی

ماده ۲۳۷

همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت ، ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش استموجب سی.

.تبصره ۱ : حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است

.گرددتبصره ۲ : حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است ، نمی

ماده ۲۳۸

جنسمصاحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث ، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی هم خود قرار دهد.

ماده ۲۳۹

ماده ۲۳۹

.حد مصاحقه ، صد ضربه شلاق است

ماده ۲۴۲

.قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا و لواط است

ماده ۲۴۳

حد قوادی برای مرد هفتادوپنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتادوپنج ضربه شود که مدت آن را قاضی مشخصشلاق به عنوان حد ، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می .کند و برای زن فقط هفتادوپنج ضربه شلاق استمی

ماده ۲۴۴

کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست لکن به
.شودویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌سی

ماده ۲۴۵

.قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد

ماده ۲۵۰

.حد قذف ، هشتاد ضربه شلاق است

ماده ۲۵۱

شود که قذف شونده در هنگام قذف ، بالغ ، عاقل ، مسلمانقذف در صورتی موجب حد می
.، معین و غیر متظاهر به زنا یا لواط باشد

تبصره ۱: هرگاه قذف شونده ، نابالغ ، مجنون ، غیرمسلمان یا غیر معین باشد قذف کننده به
شود لکن قذف متظاهر به‌ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌سی
.زنا یا لواط ، مجازات ندارد

تبصره ۲: کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد
.است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا است

ماده ۲۵۳

هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط در حال اکراه یا عدم بلوغ را
ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم‌به دیگری نسبت دهد به سی
.شودمی

ماده ۲۵۶

ها باهم ، خواه جداگانه شکایت‌طور جداگانه قذف کند خواه همه آن‌کسی که چند نفر را به
.شودکنند ، در برابر قذف هر یک ، حد مستقلی بر او جاری می

ماده ۲۵۸

بار یا بیشتر قبل از اجرای حد ، قذف نمایدکسی که دیگری را به یک یا چند سبب ، یک
شود ، لکن اگر پس از اجرای حد ، قذف را تکرار نماید حد نیزفقط به یک حد محکوم می

ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری‌شود و اگر بگوید آنچه گفتم حق بود به سی‌تکرار می
.گردددرجه شش محکوم می

ماده ۲۵۹

ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق‌پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی
.گرددتعزیری درجه شش محکوم می

ماده ۲۶۰

غیراز همسرحد قذف اگر اجرانشده و یا مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به
توانند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هرچند دیگران‌گردد و هر یک از ورثه می‌منتقل می
.گذشت کرده باشند

تواند تعقیب متهم یاکه قاذف ، پدر یا جد پدری وارث باشد ، وارث نمی‌تبصره: درصورتی
.اجرای حد را مطالبه کند

ماده ۲۶۲

الله و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سب‌هرکس پیامبر اعظم صلی
.شودالنبی است و به اعدام محکوم می

الله علیها یاالسلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام‌تبصره : قذف هر یک از ائمه معصومین علیه
.دشنام به ایشان در حکم سب النبی است

ماده ۲۶۴

مصرف مسکر از قبیل خوردن ، تزریق و تدقین آن کم باشد یا زیاد ، جامع باشد یا مایع ،
ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند ،گونه‌مست کند یا نکند ، خالص باشد یا مخلوط به
.موجب حد است

.تبصره: خوردن فقاع (آبجو مسکر) موجب حد است هرچند مستی نیاورد

ماده ۲۶۵

.حد مصرف مسکر ، هشتاد ضربه شلاق است

ماده ۲۶۶

.شودهر غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر ، محکوم به حد می

تبصره: اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر گردديا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می

ماده ۲۶۸

:که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد استسرقت درصورتی

.الف: شئ مسروق شرعاً مالیت داشته باشد

.ب: مال مسروق در حرز باشد

.پ: سارق هتک حرز کند

.ت: سارق مال را از حرز خارج کند

.ث: هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد

.مال نباشدج: سارق پدر یا جد پدری صاحب

چ: ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز ، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.

.ح: مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی ، وقف عام و یا وقف بر جهات عام نباشد

.خ: سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد

.مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کندد: صاحب

مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشدذ: صاحب

.ر: مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد

.ز : مال مسروق قبل از اثبات جرم به مالکیت سارق در نیاید

.ژ: مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغصوب نباشد

ماده ۲۷۸

:حد سرقت به شرح زیر است

که‌طوریالف: در مرتبه اول ، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به انگشت شست و کف دست باقی بماند.

که نصف قدم ونحویب: در مرتبه دوم ، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به

مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ: در مرتبه سوم ، حبس ابد است.

ت: در مرتبه چهارم ، اعدام است هرچند سرقت در زندان باشد.

ماده ۲۷۹

ها استقصد جان ، مال یا ناموس مردم یا ارعاب آنمحاربه عبارت است از کشیدن سلاح به سوی یک یا چندکه موجب ناامنی در محیط گردد و هرگاه کسی باانگیزه شخصی بهنحوی، به شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم شودسلاح بکشد ، ولو در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود محارب محسوب نمی.

ماده ۲۸۰

فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محارب ، دست به اسلحه ببرند محارب نیستند.

ماده ۲۸۱

هاراهزنان ، سارقان و قاچاقچیانی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه اندشوند محارب.

ماده ۲۸۲

حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف: اعدام

ب: صلب

پ: قطع دست راست و پای چپ

ت: نفی بلد

ماده ۲۸۳

انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است.

ماده ۲۸۶

طور گسترده ، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیتهرکس به داخلی یا خارجی کشور ، نشر اکاذیب ، اخلال در نظام اقتصادی کشور ، احراق و تخریب ،

هاپخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور ، ناامنی یا ورود خسارت عمده به‌گونه‌گردد به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی ، یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع .گردد‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد مفسد فی

ماده ۲۸۷

گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران ، قیام مسلحانه کند باغی محسوب .گردندشود و در صورت استفاده از سلاح ، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌می

ماده ۲۹۳

هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد نتیجه رفتار ارتکابی ، بیش از مقصود وی واقع شده ، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود ، نسبت به جنایات کمتر ،شود ، چنانچه جنایت واقع که انگشت کسی را قطع‌شود مانند آن‌عمدی و نسبت به جنایات بیشتر ، شبه عمدی محسوب می کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به .قطع دست و یا فوت شبه عمدی است

ماده ۲۹۶

اگر کسی ، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند شود ،شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قتل عمدی محسوب می، چنانچه جنایت واقع در غیر این صورت ، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو پرداخت دیه نفس .شودنیز محکوم می

ماده ۲۹۸

اگر کسی با یک ضربه عمدی ، موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شود ، چنانچه طور مشترک موجب قتل شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد فقط به‌ها به‌همه آن .شودقصاص نفس محکوم می

ماده ۲۹۹

های متعدد عمدی ، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیزاگر کسی با ضربه ها موجب قتل شود و برخی درمشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، چنانچه برخی از جنایت وقوع قتل نقشی نداشته باشند ، مرتکب علاوه بر قصاص نفس ، حسب مورد ، به قصاص یا دیه وسیله مجموعه‌شود لکن اگر قتل به‌هایی که تأثیری در قتل نداشته است ، محکوم می‌جنایت

صورت متوالی واردشده باشد در حکم یک ضربه‌که ضربات به‌جنایات پدید آید درصورتی است. در غیر این صورت به قصاص یا دیه عضوی که جنایت بر آن ، متصل به فوت نبوده است .گرددنیز محکوم می

تبصره: احکام مقرر در مواد ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ در مواردی که جنایت یا جنایات .علیه سرایت کند نیز جاری استارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنی

ماده ۳۰۰

شود و یا اگر به قتل منجراگر مجنی علیه به تصور اینکه جنایت وارده بر او به قتل منجر نمی شود ، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نمایندشود قتل ، عمدی محسوب نمی علیه منجر شود ، هرگاه قتل‌شده ، به نفس سرایت کند و به فوت مجنیو بعد از آن ، جنایت واقع شود و چنانچه عضومشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قاتل به قصاص نفس محکوم می مرتکب ، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد، ولی دم باید قبل از قصاص نفس ، دیه عضو قصاص شده یا وجه مصالحه را به وی بپردازد؛ لکن اگر جنایت مشمول تعریف جنایات عمدی نگردد ، به پرداخت دیه نفس ، بدون احتساب دیه عضو قصاص شده یا وجه مصالحه اخذشده ، شود. مفاد این ماده ، در موردی که جنایت ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضومحکوم می .مورد جنایت سرایت کند نیز جاری است

ماده ۳۰۱

شود که مرتکب ، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد وقصاص در صورتی ثابت می .مجنی علیه ، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد

.علیه مسلمان باشد ، مسلمان نبودن مرتکب ، مانع قصاص نیستتبصره: چنانچه مجنی

ماده ۳۰۲

که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد ، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه‌درصورتی :شود، محکوم نمی

.الف: مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است

ب: مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است ، مشروط بر اینکه جنایت واردشده ، بیش از مجازات حدی نباشد ، در غیر این صورت مقدار اضافه برحد ، حسب مورد ، دارای .قصاص و یا دیه و تعزیر است

پ: مستحق قصاص نفس یا عضو ، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص شودنمی.

الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در مادهت: متجاوز و کسی که تجاوز او قریب ۱۵۶. این قانون جنایتی بر او وارد شود

ث : زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

تبصره ۱ : اقدام در مورد بندهای الف ، ب و پ این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و شودمرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می.

تبصره ۲ : اقدام در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است ، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم شودمی.

ماده ۳۰۳

هرگاه مرتکب ، مدعی باشد که مجنی علیه ، حسب مورد در نفس یا عضو ، مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است یا وی با چنین اعتقادی ، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول ماده ۳۰۲ است و ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی ، اشتباه باشود ولی اگر ثابت شود که بهمرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می چنین اعتقادی ، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده ۳۰۲ نباشد مرتکب علاوه بر شودپرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می.

ماده ۳۰۴

جنایات عمدی نسبت به نابالغ ، موجب قصاص است.

ماده ۳۰۶

جنایت عمدی بر جنین ، هرچند پس از حلول روح باشد ، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم شودمی.

تبصره : اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد ،

منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است.

ماده ۳۰۷

گردان وارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر ، روان ها ، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود براثر مستی و عدم تعادل روانی ، مرتکب‌مانند آن مصلوب الاختیار بوده است که در این صورت علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی‌پنجم تعزیرات محکوم می مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی و وی ولو موجب ارتکاب آن .گرددشود ، جنایت ، عمدی محسوب می‌جنایت یا نظیر آن از جانب او می

ماده ۳۰۸

وسیله مقام قضایی ، در بالغ و عاقل بودن مرتکب ، هنگام‌اگر پس از تحقیق و بررسی به ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادا کند ، ولی‌حال بلوغ و یا افاقه او از جنون سابقش انجام دم یا مجنی علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه ، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق در زمان جنایت ، افاقه مرتکب بوده است ، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود ، در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا .شودمجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می

ماده ۳۰۹

این ادعا که مرتکب پدر یا یکی از اجداد پدری مجنی علیه است ، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، حق قصاص ، حسب مورد ، با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او .شودثابت می

ماده ۳۱۰

هرگاه غیرمسلمان ، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان ، ذمی ، مستأمن و معاهد شود ، حق های فکری نیست. اگرها و گرایش‌قصاص ثابت است. در این امر ، تفاوتی میان ادیان ، فرقه مسلمان ، ذمی ، مستأمن و معاهد ، بر غیرمسلمانی که ذمی ، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد شود. در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم‌کند ، قصاص نمی .شودتعزیرات محکوم می

تبصره ۱ : غیرمسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت اند ، در حکم مستأمن کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده باشندمی.

تبصره ۲ : اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص ، مسلمان شود ، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم شودمی.

ماده ۳۱۱

علیه ، هنگام‌وسیله مقام قضایی ، در مسلمان بودن مجنی‌اگر پس از تحقیق و بررسی به ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت ، عدم اسلام باشد و ولی دم یا شده است و مرتکب ادعا کند که‌علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام‌مجنی علیه باید ثابت شودارتکاب جنایت ، پیش از اسلام آوردن وی بوده است ادعای ولی دم یا مجنی و در صورت عدم اثبات ، قصاص منتفی است و مرتکب پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر شود. اگر حالت پیش از زمان جنایت ، اسلام او بوده است،در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مجنی علیه باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در شود. حکم این‌صورت عدم اثبات ، با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی حق قصاص ثابت می .که در مجنون بودن مجنی علیه تردید وجود داشته باشد نیز جاری است‌ماده درصورتی

ماده ۳۴۹

که اقدام به‌تواند پیش از فوت مجنی علیه ، مرتکب را قصاص کند و درصورتی‌ولی دم نمی قتل مرتکب نماید ، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مجنی علیه نشود مستحق قصاص است ، شود ، مگر در موردی که ولی‌در غیر این صورت به تعزیر مقرر در قانون تعزیرات محکوم می دم اعتقاد دارد مرتکب مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است که در این صورت ، مستحق قصاص نیست.

ماده ۳۵۰

.ای ثابت است‌طور جداگانه‌در صورت تعدد اولیای دم ، حق قصاص برای هر یک از آنان به

ماده ۳۵۱

.ولی دم ، همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه که حق قصاص ندارد

ماده ۳۵۲

اگر حق قصاص ، به هر علت تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود ، همسر مقتول برد اگر برخی از اولیای دم ، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند ،نیز از آن ارث می برد‌باشند ، ارث می‌همسر مقتول ، از سهم دیه کسانی که خواهان دیه می.

ماده ۳۵۳

رسد حتی اگر همسر مجنی علیه‌هرگاه صاحب حق فوت کند ، حق قصاص به ورثه او می باشد.

ماده ۳۵۴

اگر مجنی علیه یا همه اولیای دم یا برخی از آنان ، صغیر یا مجنون باشند ، ولی آنان با رعایت تواند تا زمان بلوغ یا افاقه آنان‌شان حق قصاص ، مصالحه و گذشت دارد و همچنین می‌مصلحت توانند مرتکب رامنتظر بماند. اگر برخی از اولیای دم ، کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند ، می علیه خود ازکه ولی صغیر یا مجنون خواهان ادا یا تأمین سهم دیه مولی‌قصاص کنند درصورتی ها باشد باید مطابق خواسته او عمل کنند. مفاد این ماده ، در مواردی که حق قصاص به‌سوی آن شود نیز جاری است. این حکم در موردعلت مرگ مجنی علیه یا ولی دم به ورثه آنان منتقل می شده است نیز جاری است‌الاجرا شدن این قانون واقع‌جنایاتی که پیش از لازم.

ماده ۳۵۶

اگر مقتول یا مجنی علیه یا ولی دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ، ولی او ، مقام رهبری است و رئیس قوه قضاییه با استیذان کنده‌های مربوط تفویض می‌از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان ، اختیار آن را به دادستان.

ماده ۳۶۰

در مواردی که اجرای قصاص ، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است ، صاحب حق قصاص ، میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون و لو بدون رضایت مرتکب مخیر است.

ماده ۳۶۱

اگر مجنی علیه یا ولی دم ، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه مصالحه یا امر دیگری کند ، حق قصاص تا حصول شرط ، بر او باقی است.

ماده ۳۶۲

المصالحه یااگر پس از مصالحه یا گذشت مشروط ، مرتکب حاضر یا قادر به پرداخت وجه انجام دادن تعهد خود نباشد یا شرط محقق نشود ، حق قصاص محفوظ است و پرونده برای .شود مگر مصالحه شامل فرض انجام ندادن تعهد نیز باشدبررسی به همان دادگاه ارجاع می

ماده ۳۶۷

علیه ، خواهان قصاص باشند و دو مجنی‌در ماده ۳۶۶ این قانون ، اگر اولیای هر دو مجنی علیه از نظر دیه ، یکسان نباشند و دیه مرتکب آن بیش از دیه مجنی علیه او باشد ، مانند اینکه هر دو قاتل ، مرد باشند و یکی از دو مقتول ، زن باشد ، خواهان قصاص از سوی زن باید نصف دیه کامل را بپردازد که در این صورت ، به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن ، فاضل دیه مذکور .شودمیان مرتکبان به نسبت مساوی تقسیم می

.شودتبصره: دیه موضوع این ماده طبق این قانون و قبل از قصاص به مستحق پرداخت می

ماده ۳۶۸

ها موجب قتل اوعلیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌هایی را بر مجنی‌ای ، آسیب‌اگر عده باشند و دیگران حسب مورد ، به‌ها ، شریک در قتل می‌شود فقط واردکنندگان این آسیب .شوندقصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می

ماده ۳۷۱

هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان گردید و اولی فقط به قصاص عضوتنهایی موجب مرگ می‌نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به .شودمحکوم می

ماده ۳۷۲

ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنهاگونه‌هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر گردد. حکم‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌پایان دهد نفر اول قصاص می .این ماده و ماده ۳۷۱ این قانون در مورد جنایات غیرعمدی نیز جاری است

ماده ۳۷۳

تواند یکی از شرکاموارد شرکت در جنایت عمدی ، حسب مورد ، مجنی علیه یا ولی دم می در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص شونده

بپردازند و یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند ، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص ، به قصاص شوندگان بپردازد. اگر قصاص شوندگان شوند و نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به‌همه شرکا نباشند ، هر یک از شرکا که قصاص نمی .نسبت تعدادشان بپردازد

تبصره: اگر مجنی علیه یا ولی دم ، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حق خود نسبت که دیه قصاص شوندگان‌ها مصالحه نماید ، درصورتی‌به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آن پیش از سهم جنایتشان باشد ، باید پیش از قصاص ، مازاد دیه آنان را به قصاص شوندگان .بپردازد

ماده ۳۷۴

هرگاه دیه جنایت ، بیش از دیه مقابل آن جنایت در مرتکب باشد مانند اینکه زنی ، مردی را یا غیرمسلمانی ، مسلمانی را عمداً به قتل برساند یا دست وی را قطع کند ، اگر مرتکب یک نفر باشد ، صاحب حق قصاص افزون بر قصاص ، حق گرفتن فاضل دیه را ندارد و اگر مرتکبان تواند پس از پرداخت مازاد دیه قصاص شوندگان بر دیه‌متعدد باشند ، صاحب حق قصاص می اندازه دیه جنایت ، از شرکا درتواند به‌جنایت به آنان ، همگی را قصاص کند. همچنین می شوند ،جنایت ، قصاص کند و چیزی نپردازد ، که در این صورت ، شرکایی که قصاص نمی پردازند. افزون بر این ، صاحب حق قصاص‌سهم دیه خود از جنایت را به قصاص شوندگان می اش کمتر از دیه جنایت است ، قصاص کند و فاضل دیه را ازتواند یکی از آنان را که دیه‌می تواند بیش از این مقدار را از هر یک مطالبه کنددیگر شرکا بگیرد لکن صاحب حق قصاص نمی که بر مقدار بیشتر مصالحه نماید. همچنین اگر صاحب حق قصاص خواهان، مگر درصورتی قصاص همه یا برخی از آنان که دیه مجموعشان بیش از دیه جنایت است باشد ، نخست باید .فاضل دیه قصاص شونده نسبت به سهم از جنایت را به او بپردازد و سپس قصاص نماید

ماده ۳۷۵

شود و اکراه کننده ، به حبس ابداکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب ، قصاص می .گرددمحکوم می

تبصره یک : اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به .قصاص است

پردازد. در این موردتبصره دو: اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می .شوداکراه کننده به حبس ابد محکوم می

ماده ۳۷۷

اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است.

ماده ۳۷۸

ادعای اکراه در جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات با سوگند صاحب حق قصاص ، مباشر قصاص می شود.

ماده ۳۸۱

مجازات قطع عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد.

ماده ۳۸۲

هرگاه زن مسلمانی کشته شود ، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل مرد مسلمان باشد ، ولی دم باید پیش از قصاص ، نصف دیه کامل را به او بپردازد اگر قاتل ، مرد غیرمسلمان باشد ، قصاص می شود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان ،بدون پرداخت چیزی پرداخت مابه التفاوت دیه آن‌ها لازم است.

ماده ۳۸۳

اگر یک نفر ، دو یا چند نفر را به قتل برساند ، اولیای دم هر یک از مقتولان می توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیای دم هر یک از مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند.

ماده ۳۸۶

مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد.

ماده ۳۸۷

جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو ، جرح و صدمه های وارد بر منافع است.

ماده ۳۸۸

کند ، به‌زن و مرد مسلمان ، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن ، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشدقصاص محکوم می شود. حکم مذکور، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد ، اجرا می که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگردرصورتی مجنی علیه ، زن مسلمان و مرتکب ، مرد غیرمسلمان باشد ، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه ، .شودقصاص می

ماده ۳۸۹

های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید ، حق‌اگر به علت یک یا چند ضربه جنایت تواند درباره بعضی باقصاص برای هر جنایت ، به طور جداگانه ثابت است و مجنی علیه می .مرتکب مصالحه نماید ، نسبت به بعضی دیگر گذشت کند و بعضی را قصاص کند

ماده ۳۹۰

تواند با رضایت مرتکب قسمتی ازاگر جنایت بر عضو ، دارای مراتب باشد ، مجنی علیه می که در جراحت موضحه به متلاحمه و در قطع دست از آرنج به‌جنایت را قصاص کند مانند آن .قطع دست از مچ بسنده و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید

ماده ۳۹۱

هاهرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همه آن نباشد مانند اینکه هر دو دست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد ، مرتکب شود و برای دیگر جنایات ، به‌هایی که قصاص آن امکان دارد ، قصاص می‌در مقابل جنایت .شودپرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می

ماده ۳۹۲

ها باشدهرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای چند نفر وارد کند ، اگر امکان قصاص همه آن علیه اول که جنایت بر اوشود و اگر امکان قصاص برای همه جنایات نباشد مجنی، قصاص می پیش از دیگری واقع شده است ، در استیفای قصاص مقدم است و در صورت انجام قصاص ، مرتکب برای جنایاتی که محلی برای قصاص آن نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب شود. اگر وقوع دو جنایت ، در یک زمان باشد، هر یک از دو مجنی‌پنجم تعزیرات محکوم می هایی که‌توانند مبادرت به قصاص کنند و پس از استیفای قصاص ، برای دیگر جنایت‌علیه می قصاص ممکن نیست ، مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم

علیه دوم باقی باشد لکن که پس از قصاص اول ، محل قصاص برای مجنی‌شود. درصورتی‌می التفاوت راتواند مقدار موجود را قصاص کند و مابه‌کمتر از عضو مورد جنایت از او باشد ، می دیه بگیرد مانند اینکه مرتکب ، نخست انگشت دست راست کسی و آنگاه دست راست شخص دیگری را قطع کرده باشد که در این صورت ، مجنی علیه اول در اجرای قصاص مقدم است و با تواند دست راست مرتکب را قصاص کند و دیه انگشت‌علیه دوم می‌اجرای قصاص او ، مجنی خود را نیز از او بگیرد.

ماده ۳۹۳

در قصاص عضو ، علاوه بر شرایط عمومی قصاص ، شرایط زیر با تفصیلی که در این قانون شود ، باید رعایت شودبیان می:

الف: محل عضو مورد قصاص ، با مورد جنایت یکی باشد.

ب: قصاص با مقدار جنایت ، مساوی باشد.

پ: خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد.

ت: قصاص عضو سالم ، در مقابل عضو ناسالم نباشد.

ث: قصاص عضو اصلی ، در مقابل عضو غیر اصلی نباشد.

ج: قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد.

که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم‌تبصره: درصورتی شودنداشته باشد پای او قصاص می.

ماده ۳۹۴

رعایت تساوی مقدار طول و عرض ، در قصاص جراحات لازم است لکن اگر طول عضو دیده در مجنی علیه باشد ، قصاص نباید به عضو دیگرمورد قصاص، کمتر از طول عضو آسیب شود لکن میزان در عمق جنایت ، صدق‌سرایت کند و نسبت به مازاد جنایت ، دیه گرفته می عنوان جنایت وارده است.

ماده ۳۹۵

اگر عضو مورد جنایت ، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب ، ناسالم یا ناقص باشد ، مجنی تواند قصاص کند یا با رضایت مرتکب ، دیه بگیردعلیه می.

تبصره: عضو ناسالم ، عضوی است که منفعت اصلی آن از بین رفته باشد مانند عضو فلج و
شود ، هرچند دارای ضعف یا بیماری باشددر غیر این صورت ، عضو سالم محسوب می.

ماده ۳۹۶

شودعضو قوی و صحیح ، در برابر عضو ضعیف و معیوب غیر فلج ، قصاص می.

ماده ۳۹۷

شود لکن عضو ناقص، در برابر عضوعضو کامل ، در برابر است عضو ناقص قصاص نمی
التفاوت دیه را بپردازدشود که در این صورت ، مرتکب باید مابه‌کامل قصاص می.

تبصره : عضو ناقص ، عضوی است که فاقد بخشی از اجزا باشد مانند دستی که فاقد یک یا
چند انگشت و یا فاقد بخشی از یک یا چند انگشت است.

ماده ۳۹۸

اگر عضو مورد جنایت و عضو مورد قصاص هر دو ناقص یا ناسالم باشند ، فقط
که نقصان و عدم سلامت در عضو مورد قصاص ، مساوی یا بیشتر از عضو مورددرصورتی
جنایت باشد ، حق قصاص ثابت است.

ماده ۳۹۹

اگر عضو مورد جنایت ، زائد باشد و مرتکب ، عضو زائد مشابه نداشته باشد ، به پرداخت
شودارش محکوم می.

ماده ۴۰۰

اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت ، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر
التفاوت را مطالبه نماید و یا باتواند به قصاص کمتر ، اکتفا کند و مابه‌ممکن باشد مجنی علیه می
رضایت جانی دیه جنایت را بگیرد.

ماده ۴۰۲

شود ، گرچه مرتکب‌اگر شخصی یک چشم کسی را در آورد یا کور کند ، قصاص می
شود. این حکم در مورد همه اعضای‌بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه به وی پرداخت نمی
زوج بدن جاری است.

ماده ۴۰۳

اگر شخصی که دارای دو چشم است ، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد ، درآورد یا
تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم‌علیه می‌آن را کور کند ، مجنی
دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتکب منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه
علیه یک چشم خود را قبلاً در قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است ، ازمجنی
تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت‌دست داده باشد ، که در این صورت می
.مرتکب ، نصف دیه کامل را دریافت نماید

ماده ۴۰۴

اگر شخصی بدون آسیب رساندن به حدقه چشم دیگری ، بینایی آن را از بین ببرد ، بینایی
شود. چنانچه بدون آسیب به حدقه چشم مرتکب قصاص ممکن نباشدچشم مرتکب ، قصاص می
.شودشود و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می، تبدیل به دیه می

ماده ۴۰۵

هایی که از لحاظ دید و یا شکل ، متعارف نیستند ، قصاص‌چشم سالم ، در برابر چشم
.شودمی

ماده ۴۰۶

شود لکن پلک چشم بینا در برابر پلک‌پلک دارای مژه ، در برابر پلک بدون مژه قطع نمی
.شودچشم نابینا قصاص می

ماده ۴۰۷

قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی که موجب زوال بویایی شود ، دو
.شودجنایت محسوب می

ماده ۴۰۸

قطع بینی یا گوش ، موجب قصاص است گرچه حسب مورد حس بویایی و شنوایی نداشته
.باشند

ماده ۴۰۹

.ها رعایت شودقطعه زبان یا لب ، موجب قصاص است و باید مقدار و محل آن

ماده ۴۱۰

اگر شخص گویا ، زبان کسی را که لال است قطع کند ، قصاص ساقط است و دیه گرفته
شودمی.

ماده ۴۱۱

شودزبان گویا در برابر زبان کودکی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده است ، قصاص می
مگر آنکه لال بودن کودک ثابت شود.

ماده ۴۱۲

شود و در قصاص آن ،اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند به قصاص محکوم می
رعایت تساوی در محل دندان ، لازم است.

ماده ۴۱۳

جای‌اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود ، چنانچه تا زمان قصاص ، دندان سالمی به
شود و به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات و ارش جراحت وآن بروید ، مرتکب قصاص نمی
شود. اگر دندان جدید معیوب باشد ،مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می
شود. اگر مجنی‌های مذکور ، به پرداخت ارش عیب نیز محکوم می‌مرتکب افزون بر محکومیت
افتد و درعلیه کودک باشد، صدور حکم به مدت متعارف برای روییدن دندان به تأخیر می
شود. اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند ،صدم دیه پرداخت می‌صورت روییدن دندان یک
شودمرتکب افزون بر تعزیر مذکور ، و پرداخت دیه محکوم می.

ماده ۴۱۴

علیه بین قصاص دنداناگر دندان مرتکب شیری و دندان مجنی علیه غیر شیری باشد ، مجنی
شیری و تأخیر قصاص تا رویش دندان غیر شیری در مرتکب مختار است.

ماده ۴۱۵

علیهاگر دندان مجنی علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه بروید، چیزی بر عهده مجنی
شودنیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد نیز بازگردانده نمی.

ماده ۴۲۲

یک ازدر هر حق قصاصی هر یک از صاحبان آن به طور مستقل حق قصاص دارند لکن هیچ
آنان در مقام استیفای نباید حق دیگران را از بین ببرد و بدون اذن و موافقت دیگر افراد خواهان
قصاص ، مبادرت به استیفای قصاص کند ، ضامن سهم دیه دیگران است.

ماده ۴۲۳

در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن ، خواهان دیه باشند یا از قصاص مرتکب گذشت کرده باشند ، کسی که خواهان قصاص است باید نخست سهم دیه دیگران را در صورت گذشت آنان به مرتکب و در صورت درخواست دیه به خود آنان بپردازد.

ماده ۴۲۴

در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن ، غائب باشند و مدت غیبت آنان کوتاه باشد افتد و اگر غیبت طولانی باشد و یا امیدی به بازگشتن‌صدور حکم تا آمدن غایب به تعویق می گیرد و چنانچه زمان بازگشت‌جای آنان تصمیم می‌عنوان ولی غائب به‌آنان نباشد مقام رهبری به ها پس از گذشت زمان کوتاه و قبل از طولانی شدن زمان‌معلوم نباشد مقام رهبری برای آن توانند پس از تأمین سهم غائبان در دادگاه‌نماید ، کسانی که حاضرند ، می‌غیبت اتخاذ تصمیم می ، قصاص کنند و اگر حاضران ، گذشت کنند یا با او مصالحه نمایند ، حق قصاص غائبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن ، خواهان قصاص باشند ، باید نخست سهم دیه کسانی را که اند به مرتکب پردازند و سپس قصاص کنند‌اند یا با مرتکب مصالحه کرده‌گذشت نموده.

ماده ۴۲۵

علیه بیش ازاگر مرتکب عمداً جنایتی بر دیگری وارد کند و دیه جنایت واردشده بر مجنی که زن مسلمانی مرد مسلمانی را به قتل برساند صاحب حق‌دیه آن در مرتکب باشد مانند آن تواند افزون بر قصاص ، تفاوت دیه را نیز مطالبه کندقصاص نمی.

ماده ۴۲۶

در موارد ثبوت قصاص ، اگر دیه جنایت وارده بر مجنی علیه کمتر از دیه آن در مرتکب تواند قصاص را اجرا کند که نخست فاضل دیه را به اوباشد، صاحب حق قصاص در صورتی می بپردازد و بدون پرداخت آن اجرای قصاص جایز نیست و در صورت مخالفت و اقدام به قصاص ، افزون بر الزام به پرداخت فاضل دیه ، به مجازات مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم شودمی.

ماده ۴۲۸

داردر مواردی که جنایت ، نظم و امنیت عمومی را برهم زند یا احساسات عمومی را جریحه کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد لکن خواهان قصاص تمکن پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد با درخواست دادستان و تائید رئیس قوه قضاییه ، مقدار

.شودالمال پرداخت می‌مذکور از بیت

ماده ۴۳۸

اگر پس از اجرای قصاص نفس ، قاتل زنده بماند ، حق قصاص برای ولی دم محفوظ است که قاتل آسیب ببیندای که جایز نیست قصاص کرده باشد ، درصورتی‌گونه‌لکن اگر وی را به مشروط به شرایط قصاص عضو ازجمله عدم خوف تلف ولی دم ، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولی دم باقی است ولی قبل از اجرای قصاص نفس ، قاتل باید حق خود را استیفا ، مصالحه یا گذشت کند لکن اگر ولی دم نخواهد دوباره قصاص کند ، قاتل حق قصاص او را ندارد. اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت ، مصالحه و استیفای حق خود نشود با شکایت ولی دم از این امر ، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل کند تا ظرف مهلت مقرر به گذشت ، مصالحه یا مطالبه قصاص عضو اقدام کند. دراعلام می شود و با مطالبه اوصورت عدم اقدام او در این مدت ، ولی دم به تعزیر مقرر در قانون محکوم می .گردد و حق قصاص عضو برای ورثه جانی، محفوظ استقصاص نفس اجرا می

ماده ۴۳۹

ابزار قطع و جرح در قصاص عضو باید تمیز ، غیر آلوده و مناسب با اجرای قصاص باشد و ایذا مرتکب ، بیش از مقدار جنایت او ممنوع و موجب تعزیر مقرر در قانون است. اگر مرتکب ، ای باشد که در قصاص ، بیم سرایت به نفس یا صدمه دیگرگونه‌بیماری یا شرایط زمان و مکان به شود. در غیر این صورت تا برطرف شدن‌باشد ، در صورت امکان ، موانع رفع و قصاص اجرا می افتدبیم سرایت ، قصاص به تأخیر می

ماده ۴۴۰

توان فوراً اجرا کرد که اگر علم به سرایت وجود نداشته باشد و قصاص‌قصاص عضو را می شود ،ازآن ، جنایت سرایت کند و سرایت پدید آمده ، عمدی محسوب می‌اجرا شود و پس شود پیش از اجرای قصاص نفس ولی‌مرتکب حسب مورد ، به قصاص نفس یا عضو محکوم می عنوان قصاص عضو بر مرتکب واردشده است به او بپردازد و اگردم باید ، دیه جنایتی را که به وسیله سرایت پدیدشرایط پدید آمده ، غیرعمدی محسوب شود به ، مرتکب دیه جنایتی که به .شودشود و دیه مقداری که قصاص شده است کسر نمی‌آمده است ، محکوم می

ماده ۴۴۲

اگر مرتکب به سبب حرکت یا غیر آن ، موجب شود که قصاص بیش از جنایت انجام شود،

قصاص کننده ضامن نیست و اگر قصاص کننده یا فرد دیگری موجب زیاده باشد حسب مورد به شودقصاص یا دیه محکوم می.

ماده ۴۴۳

اگر زن حامله ، محکوم به قصاص عضو باشد و در اجرای قصاص ، پیش یا پس از وضع حمل ، بیم تلف یا آسیب بر طفل باشد بر قصاص تا زمانی که بیم مذکور برطرف شود به تأخیر افتدمی.

ماده ۴۴۴

حس کردن عضو ،قصاص کردن مرتکب در جنایت بر عضو ، بدون بیهوش کردن وی یا بی حسی عضو مجنی علیه اتفاق افتادهحق مجنی علیه است مگر اینکه جنایت در حال بیهوشی یا بی باشد.

ماده ۴۴۶

علیه قسمت جداشده رااگر شخصی همه یا مقداری از عضو دیگری را قطع کند و مجنی شودپیوند بزند، قصاص ساقط نمی

ماده ۴۴۸

دیه مقدر مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس ، عضو یا منفعت ، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد ، مقررشده است.

ماده ۴۴۹

ارش دیه غیر مقدراست که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیزمقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.

ماده ۴۵۰

در جنایت شبه عمدی ، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن شود مگر به نحو دیگری مسئله‌نیست ، در صورت درخواست مجری یا ولی دم دیه پرداخت می شود.

ماده ۴۵۱

که قاتل از ورثه مقتول باشد چنانچه قتل عمدی باشد از اموال و دیه مقتولدرصورتی برد. در موارد فقدان وارث‌که خطای محض یا شبه عمدی باشد از دیه وی ارث نمی‌درصورتی .دیگر ، مقام رهبری وارث است

ماده ۴۵۲

دیه ، حسب مورد حق شخصی یا ولی دم است و احکام و آثار او مسئولیت مدنی یا ضمان .گرددرا دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه ، مصالحه ، ابرا و تهاتر بر نمی

.برندالارث از دیه مقتول نیز ارث می‌جز بستگان مادری به نسبت سهم‌تبصره: ورثه مقتول به

ماده ۴۸۵

به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیر مستوجب سلب حیات در اثر اجرای‌هرگاه محکوم مجازات کشته شود یا صدمه بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه ، شود. درعمدی یا مستند به تقصیر باشد ، مجری حکم برحسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می المال‌غیر این صورت در مورد قصاص و حد ، ضمان منتفی است و در تعزیرات ، دیه از بیت .شودپرداخت می

.علیه باشد ضمان منتفی است‌تبصره: چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم

ماده ۵۰۱

سوی او برانگیزد یا هرهرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و براثرکار دیگری که موجب هراس او می این ارعاب ، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به .شودقصاص یا دیه محکوم می

ماده ۵۰۲

هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم میشود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد .کند، کسی ضامن نیست

ماده ۵۴۰

هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد

لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه ، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند اینکه شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی علیه یا قطع دست او گردد علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مجنی علیه نیز باید پرداخت شود.

ماده ۵۴۹

شده است و میزان آن در ابتدای‌موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام میشودهرسال توسط رئیس قوه قضائیه به.

ماده ۵۵۰

دیه قتل زن ، نصف دیه مرد است.

ماده ۵۵۲

که هر دو یا یکی از طرفین زنا مسلمان باشند، در احکام دیه‌شخص متولد از زنا درصورتی مانند مسلمان است.

ماده ۵۵۳

که فرزند و همسر نداشته باشد و زنا از هر دو طرف‌وارث دیه شخص متولد از زنا درصورتی با رضایت صورت گرفته باشد، مقام رهبری است و چنانچه یکی از طرفین شبهه داشته یا اکراه شده باشد، همان طرف یا اقوام او، وارث دیه میباشند.

ماده ۵۵۴

شده در قانون‌بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری ، دیه جنایت بر اقلیتهای دینی شناخته اندازه دیه مسلمان تعیین میگردداساسی جمهوری اسلامی ایران به.

ماده ۵۶۰

دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل مییابد.

ماده ۵۶۷

در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن او گردد و نه اثری از خود در بدن بر جای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به

حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم میشود.

ماده ۵۷۶

که دیگر نروید ، دیه کامل‌کندن و یا از بین بردن تمام موی سر یا ریش مرد ، درصورتی سوم دیه کامل ثابت‌دارد و اگر دوباره بروید ، نسبت به موی سر ، ارش و نسبت به ریش یک سال نیست‌پشت و پرپشت و کودک و بزرگ‌است. در این حکم فرقی میان موی کم.

ماده ۵۷۷

که دیگر نروید ، موجب دیه کامل زن وکندن و یا از بین بردن تمام موی سر زن ، درصورتی پشت و پرپشت واگر دوباره بروید ، موجب مهرالمثل است در این حکم فرقی میان موی کم سال نیست‌کودک و بزرگ.

تبصره: اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل زن باشد فقط به مقدار دیه کامل زن ، پرداخت شودمی.

ماده ۶۱۱

قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیه کامل است و دیه از بین بردن قسمتی از آن شودبه نسبت گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می.

ماده ۶۱۲

سوم دیه کامل است و از بین بردن مقداری ازقطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک آن ، موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان است.

ای به طورواسطه عارضه‌تبصره: لال اعم از مادر زادی و عارضی است علائم کسی که به شودموقت قادر به سخن گفتن نیست ، گویا محسوب می.

ماده ۶۵۵

باره دیه کامل و قطع بیضه چپ ، دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ، ثلث دیه‌قطع دو بیضه یک دارد.

تبصره: فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست.

ماده ۷۱۶

:جنین به ترتیب ذیل استدیه سقط

ای که در رحم مستقرشده است ، دوصدم دیه کاملالف: نطفه

آید چهارصدم دیه کاملصورت خون بسته درمیب: علقه که در آن جنین به

صدم دیه کاملآید، ششصورت توده گوشتی درمیپ: مضغه که در آن جنین به

صورت استخوان درآمده هنوز گوشت دیده نشده است ،ت: عظام که در آن جنین به صدم دیه کاملهشت

شده ولی روح در آن دمیده نشده استبندی آن تمامث: جنینی که گوشت و استخوان دهم دیه کاملیک

ج : دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد چهارم دیه کاملنصف آن و اگر مشتبه باشد ، سه.

ماده ۷۲۷

هرگاه شخصی به طور عمدی ، جنایتی بر میت وارد سازد یا وی را هتک نماید ، علاوه بر ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه ششپرداخت دیه یا ارش جنایت ، به سی شودمحکوم می.

فصل دوم اهل سنت

پیشگفتار

در این بخش از کتاب الله جبار الضار، سعی شده تا قوانین جزائی کشورهای مسلمان به ای از جهان اسلام و سراسر دنیا را در برمذهب اهل سنت تصویر شود که حقا بخش قابل ملاحظه .گیردمی

در گام نخست میخواستم تا از قانون جزائی عربستان استفاده کنم، اما به واسطه نبودن این قانون در دسترس از کشورهای دیگر اسلامی و سنی مذهب مدد بردم سعی کردم با در دست ای در اختیار نبود، با تلاش بخشهای‌داشتن منابع هر چند که به زبان عربی بود و هیچ ترجمه ضروری را به فارسی بازگردانم و این بخش از کتاب را تا حد توان کامل کنم هرچند باید این دریچه کماکان باز باشد، بتوان به آن افزود و بیشتر از پیش به حقیقت اسلام پی برد اما لازم دیدم هایی از آن‌هرچند با نداشتن اصل قانون و مادههای دربرگیرنده قانون مجازات عربستان به بخش .برداشاره کنم و باهم بیشتر بدانیم خاستگاه و مبدأ اسلام امروز در چه شرایطی به سر می

حتی با گذری کوتاه در صفحات دنیای مجازی هم میتوانیم به این زشتی که مردمان عربستان روح حساب میشوند.را در خویش اسیر کرده پی ببریم، زنانی که در این سرزمین مثال کالایی بی ترین اختیاراتی که در جهان اصلی جدانشدنی‌اند حتی ساده‌از تمامیِ حقوق خویش دورمانده است هم از آنان دریغ شده و حق رانندگی هم ندارند. شاید با شنیدن این عنوان ذرهای شوکه پیش باید رفت و دانست این زنان حق انتخاب شدن و انتخاب کردن هم‌شویم اما بازهم بیشتر به ندارند. باید همواره در کنار مردان دیده شوند و برای رفتن به اماکنی که هر روز زنان سرزمین ما ها را مشایعت‌آمدوشد میکنند به قیم و ولی نیازمندند. برای سفر کردن نیاز دارند تا مردی آن کند. برای پوششان، به جبر درگیرند نه

فقط چادری سیاه و گشاد که سرتاپایشان را بپوشاند که روبندی برای پنهان کردن صورت .ندیدن دنیا و اسیر ماندن در دنیایی جانکاه

ها را نصف مرد میپندارد و دیه آنان برابر نصف مردان است حق شهادت آنان‌قانون، ارث آن .به نصف یک مرد محسوب میشود و مرگ و زندگیشان به نیمه مرد تلقی خواهد شد

دهنده این زشتیهاست، درمردانی که چهار زن قانوناً اختیار میکنند و قانون کشوری ترویج شان‌این دیوانگی زنان هرروز بیشتر از پیش به مرگ مینگرند و خودکشی دریچهای برای رهایی استنباط خواهد شد.

وقتی، از عربستان سعودی صحبت میکنیم و مبدأ اسلام را در برابر میبینیم که به دین اسلام پایبند است و تمام قوانین را بر پایه این شریعت پیریزی کرده است، با سنگسار مواجه میشویم که مجازات زناکاران است.

وقتی بریدن اعضای بدن را میشنویم شاید برای بار نخست تصویری نامفهوم برابرمان تداعی ها نه میان سخن وشود، ولی آنگاه که تصاویر این دیوانگی را به نظاره بنشینیم، میفهمیم این ها که واقع جهان اسلام را پدید خواهد آوردحرف.

قانونی که مرگ را پاسخ جرائمی میشمارد که گاه ارتداد است و اجبار به پایبند بودن، به دینی که از اجدادمان به ما ارث رسیده است و برگشت از این دین به هر دلیلی، تاوانی به مرگ خواهد داشت.

پاسخ لواط را به مرگ میدهند که کسی توان انتخاب تمایلات جنسی خویش را ندارد و یک جرائم برشمرده میشودبه‌یک.

ها که گردآمده تا گردن زدن ببینند،مرگ در برابرمان، فریاد میزند و میادینی از انسان ها بریدگونه سر از تن‌تر این‌ها بدرد که پیشوای دین دور زمانی پیش‌جلادی پیش آید و سر از تن و حال به فراخور جرم، جنازه بیجان را به چهارمیخ میکشند و برای عبرت دیگران در شهر آویزان میکنند.

هایش را که کیفر این‌شده و دزدی میان میدان است، میبرند انگشتان دست‌باز جرمی تعریف وپا، و باز قصاص‌زشتی به صدها برابر زشتی پاسخ داده خواهد شد، و باز محاربان و بریدن دست چشم، برون آوردن و مثله کردن.

ها که فرجام نخواهد داشت که این داستان سردراز دارد و این قطره‌های‌وای از این دیوانگی هاست‌از دریای بیکران این زشتی.

مروری بر روزگار امروز عربستان بیانگر اسلام راستین خواهد بود و باید بیشتر دید و روز آدمیان آورد این نگرش؟شناخت، چه به

واسطه‌در این بخش سعی شده، تا عناوینی از این قوانین گرد آید تا بیشتر بدانیم اسلام به قانونش چه ها کرده و میکند.

واسطه بضاعت نتوانستم بیشتر ازدر این بخش از کتاب، به عناوین مختصری اشاره کردم و به این را گرد آورم، به امید آنکه بازهم این نگاره پویاتر شود، و در آینده به آن بیفزاییم و فراتر از این نگاره جهان بیدار شود و همگان بدانند و پس از آن تصمیم بگیرند از دنیا چه میخواهند و در این باور راستین که به آن عشق میورزند آزادانه زندگی کنند.

به امید آن روزی که در همین نزدیکی است.

قانون جزائی یمن

قانون جزائی یمن ۱۹۹۴

ماده ۳۸

های اصلی یازده بخش داردمجازات

۱. اعدام (مرگ)

۲. سنگسار به مرگ

۳. حد بریدن

۴. قصاص

۵. شلاق

۶. زندان

۷. دیه

۸. ارش

۹. غرامت

۱۰. ممنوعیت در شرایط ارائه شده توسط قانون.

۱۱. کار اجباری

ماده ۱۱۰

اگر قصاصهای متعددی قبل از اعدام وجود داشته باشد، احکام به شرح زیر است:

بند اول :

اگر تعداد قصاصهایی برای جرائم علیه یک فرد وجود داشته باشد محدود به اجرای

که مجازات‌طوری‌شدیدترین مجازات است و اگر این قصاصها باهم تداخلی نداشته باشد به
ها اجرا خواهد شددیگر اجرا شود ، قصاص.

بند دوم :

اگر چندین قصاص برای جرائم متهم به چندین نفر وجود داشته باشد، ابتدا آسانترین و سپس
شودبه تمام احکام قصاص می‌دهد و به همین ترتیب محکوم‌احکام دیگر را انجام می.

ماده ۱۱۳

اگر چندین مجازات قصاص و حد وجود داشته باشد.

اول : شلاق برای حد قذف و شرب خمر

دوم : دوم اجرای مجازات قصاص طبق ماده ۱۱۰

سوم : سوم اجرای حدود دیگر طبق ماده ۱۱۱

ماده ۱۲۵

هر شخصی که اقدامی را باهدف نقض استقلال جمهوری، وحدت یا صحت قلمرو خود
دهد، به اعدام محکوم میشود. تمام یا برخی از پول او ممکن است مصادره شودانجام می.

ماده ۱۲۶

دهد،هرکسی که به طور عمدی اقدامات خود را باهدف تضعیف نیروهای مسلح انجام می
باید به اعدام محکوم شود.

ماده ۱۲۷

شودبه اعدام محکوم می:

۱. یمنی که با نیروهای مسلح یک کشور بیگانه در جنگ با جمهوری پیوند میخورد.

۲. کند تاشود یا به یکی از اسیرانش کمک می‌یک عضو نیروهای مسلح به دشمن تسلیم می
به صفوف خود باز گردد.

۳. کسی که با پول و یا افراد به عوامل دشمن کمک برساند.

تمام یا برخی از پول او ممکن است مصادره شود.

ماده ۲۲۷

مجازات اعدام برای هر یک از اعضای نیروهای مسلح که مرتکب رفتار دشمنانِ شود :

امتناع از حمل و یا استفاده از صلاح .۱

مخفی کردن خود در جنگ و ترک موقعیت بدون اذن .۲

تسلیم شدن به اختیار .۳

تحریک همکاران و زیردستان .۴

ماده ۲۳۲

اگر شوهری همسرش را در حال ارتکاب به زنا مورد آزار قرار دهد که به ناتوانی و یا مرگ منجر شود در این صورت مجازاتی برای شوهر وجود ندارد اما به مدت بیش از یک سال به حبس محکوم میشود همین حکم برای کسی که مرتکب چنین اعمالی در قبال یکی از نوامیس خواهرانش با جرم زنا شده است.

ماده ۲۳۴

هرکسی که انسانی بیگناه را عمداً بکشد به مجازات مرگ محکوم میشود، مگر اینکه مورد عفو ولیالدم قرار گیرد. رجوع به متن کامل قانون

ماده ۲۴۳

ای که فرد با هر وسیله با نیت و به طور عمد باعث معلولیت دائمی و یاقصاص به همان شیوه تقسیم شدن جزئیات و یا با زخم زدن به هرکدام از اعضا از قبیل چشم و گوش میتواند تنظیم شود، این قصاص است. رجوع به متن کامل قانون

ماده ۲۵۹

.شودوسه روز حبس به اعدام محکوم میهر کس که مذهب اسلام را ترک کند، پس از سی

رجوع به متن کامل قانون

ماده ۲۶۰

هر فردی که به طور عمدی قرآن کریم را به نحوی تغییر میدهد که هدفش توهین و یا تغییر دین باشد، باید به مدت بیش از پنج سال حبس مجازات شود.

ماده ۲۶۳

مجازات زانی و زانیه که در زنای غیر محصنه شرکت داشتهاند صد ضربه شلاق خواهد بود و

.اگر زانی و زانیه زنای محصنه انجام داده باشند به سنگسار تا مرگ محکوم میشوند

ماده ۲۶۴

که غیرمجازات کسی که لواط (رابطه جنسی مرد با مرد) میکند هر دو شخص درصورتی محصنه باشد صد ضربه شلاق و در صورت ارتکاب لواط محصنه به سنگسار تا مرگ محکوم .شوندمی

ماده ۲۶۸

مساحقه رابطه جنسی زن با زن است که مجازات سه سال حبس را برای هر دو نفر خواهد .داشت و اگر رابطه بازور انجام شود تا هفت سال مدت حبس افزایش مییابد

ماده ۲۸۳

هر مسلمان بالغ و عاقلی که شرب خمر کند به هشتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد و اگر .این اقدام را در اماکن عمومی انجام دهد به یک سال زندان محکوم میشود

ماده ۲۸۵

دهد، و استفاده آن راسازد، آن را به دیگران میفروشد، آن را ارائه می‌هرکسی که شراب می شود. اگر متخلف‌ای که بیش از یک سال نیست، به زندان محکوم می‌تسهیل میکند، برای دوره به دایر کردن فروشگاهی در مکان عمومی مبادرت کرده باشد ، مجازات باید به مدت سه سال زندان و جریمه نقدی افزایش یابد و دستور داده شود تا فروشگاه را برای مدت یک سال .مهروموم کنند

ماده ۲۸۶

بند اول :

مجازات زندان برای یک دوره حداکثر شش ماه و جریمه نقدی، برای هرکسی که قمار را .در یک مکان عمومی انجام میدهد

بند دوم :

کند یا قمارخانهای در یک مکان عمومی بناکرده است، به‌فردی که قمار را مدیریت می .شودمدت دو سال زندان و جریمه نقدی مجازات می

.تمامی وسایل باید مصادره و آن مکان برای مدت بیشتر از یک سال مهروموم شود

ماده ۲۸۹

هرکسی تهمت زنای محصنه بزند و نتواند آن را به اثبات برساند به هشتاد ضربه شلاق حد محکوم خواهد شد.

ماده ۲۹۸

هرکسی که مرتکب دزدی شود و شرایط حد دزدی را دارا باشد دست راست از مچ بریده خواهد شد، اگر دوباره مرتکب جرمی مشابه شود پای چپ از پاشنه بریده خواهد شد، و اگر دوباره آن جرم را مرتکب شود به زندان به بیش از پانزده سال مجازات خواهد شد.

ماده ۳۰۷

مجازات محارب

بند اول:

به مدت حبس تا پنج سال است که اقدام به ترساندن محدود باشد، محکومدرصورتی.

بند دوم:

که این محاربه با سرقت مالی همراهبریدن دست راست از مچ و پای چپ از پاشنه درصورتی باشد و مجازات زندان بیشتر از ده سال برای شریکان جرم.

بند سوم:

اگر اقدام محاربان به مرگ منجر شود مجازات اعدام در نظر گرفته میشود و برای شرکا مجازات زندان بیشتر از پانزده سال در نظر گرفته خواهد شد.

رجوع به متن کامل قانون

قانون جزائی سودان

قانون کیفری سال ۱۹۹۱

ماده ۲۷

بند اول:

آویز، سنگسار یا مشابه با کشتن مجرم باشد، و ممکن است حد قصاص واعدام باید حلق تعزیر باشد و ممکن است از او صلب شود.

بند دوم :

جز جرائم حد و قصاص، فردی که سن هجده سال نداشته باشد یا بیش از ۷۰ سال سن‌به داشته باشد به مرگ محکوم نمیشود.

ادامه متن قانون

ماده ۵۰

هر فردی که اقداماتی را برای تخریب قانون اساسی کشور یا باهدف به خطر انداختن استقلال یا وحدت عمومی انجام دهد، به مرگ، حبس ابد یا زندان طویل مدت و مصادره اموال محکوم میشود

ماده ۵۱

کسی که مرتکب جرمی با عنوان تحریک به جنگ علیه دولت شود به اعدام، حبس ابد، زندان طویل مدت و مصادره تمامی اموال محکوم میشود.

ادامه متن قانون

ماده ۵۳

کسی که مرتکب جرم جاسوسی شود به اعدام، حبس ابد، حبس طویل مدت محکوم خواهد گردد و اگر جرم او جاسوسی تلقی نشود اما به کشور از نظر سیاسی وشد و اموالش مصادره می اقتصادی آسیب برساند به حبس به مدت ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۸

فردی که مرتکب جرائم شورش میشود به مدت شش ماه زندان و بیشتر از بیست ضربه شلاق ای که باعث آسیب جدی به دیگران باشدمحکوم خواهد شد و اگر او دارای سلاح و یا وسیله باید به مدت یک سال حبس شلاق و جریمه نقدی محکوم شود.

ماده ۶۹

دهد که ممکن است‌کند و یا اقداماتی را انجام می‌فردی که صلح عمومی را نقض می موجب نقض صلح عمومی شود، باید به مدت یک ماه حبس و شلاق که به بیشتر از بیست ضربه تجاوز نکند محکوم شود.

ماده ۷۸

بند اول :

که مسلمان باشد به چهل ضربه شلاق‌کسی که شراب بنوشد و یا تولید کند درصورتی شودمحکوم می.

بند دوم :

واسطه آن تهدید و آزار دیگرانو کسی که اقدام به نوشیدن شراب در مکان عمومی و به کند به یک ماه زندان و بیش از چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۸۰

بند اول :

فردی که قمار میکند و یا هر فعالیتی که شامل قمار باشد را در خانه و محلی با این هدف وپنج ضربه نباشد محکومایجاد کرده باشد به زندان کمتر از یک سال و شلاق که بیشتر از بیست خواهد شد.

ماده ۸۱

شده شودهر شخصی که مرتکب جرائمی که در مواد هفتادوهشت تا هشتاد بیان شده باشد و یا بادانش مالک صورت پذیرفته باشد به مدت سه‌که مالک ملک استفاده‌درصورتی سال حبس و بیش از هشتاد ضربه شلاق و یا هر دو محکوم خواهد شد و اموالش مصادره میگردد.

ماده ۱۲۵

هر فردی که دین و باوری مقدس را مورد اهانت و تحقیر قرار دهد و یا پیروان ادیان را تحقیر و توهین کند به یک تا شش ماه زندان و کمتر از چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۱۲۶

بند اول :

مرتکب جرم ارتداد هر مسلمانی است که از دین اسلام برگردد و دلالت این موضوع به گفتن صریح و رفتار اوست

بند دوم :

شده توسط دادگاه زمان دارد تا ازکسی که مرتکب جرم ارتداد میشود یک دوره تعیین

راهش بازگردد در صورت پایداری به اعدام محکوم میشود.

ادامه متن قانون

ماده ۱۳۰

بند اول :

قتل عمد قتلی است که دران مجرم با قصد و نیت اقدام به عمل میکند و نتیجه مرگ قربانی است.

بند دوم :

فردی که قتل عمدی مرتکب شود به اعدام محکوم خواهد شد، در صورت گذشت شاکی با پرداخت دیه به ده سال زندان محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳۳

ای به مدت یک سال زندان وفردی که خودکشی میکند تلاش برای خودکشی با هر وسیله جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳۶

جنین مرتکب میشود با علم به بارداری به مدت یک سال زندان و جریمه‌فردی که سقط نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳۹

بند اول :

اگر شخصی مرتکب جرم جرح عمدی شود اگر شرایط لازم را داشته باشد قصاص خواهد شد و اگر شرایط لازم وجود نداشته باشد به مجازات بیش از سه سال زندان و جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

ادامه متن قانون

ماده ۱۴۶

بند اول :

هرکسی مرتکب جرم زنا شود مجازات خواهد شد :

.الف) جزای سنگسار برای مرتکب زنای محصنه

.ب) جزای صد ضربه شلاق برای مرتکبین زنای غیر محصنه

ماده ۱۴۸

: بند دوم

الف) مرتکب جرم لواط برای اولین بار توسط کمتر از صد ضربه شلاق و همچنین زندان برای مدت کمتر از پنج سال مجازات خواهد شد.

ب) در صورت تکرار این جرم در مرحله دوم به صد ضربه شلاق حد و همچنین کمتر از پنج سال زندان محکوم خواهد شد.

.پ) در صورت تکرار این جرم در مرحله سوم به اعدام و یا حبس ابد محکوم خواهد شد

ماده ۱۴۹

: بند سوم

مرتکب جرم تجاوز به عنف باید توسط صد ضربه شلاق حد و مدت ده سال زندان محکوم .که این تجاوز زنا و یا لواط محسوب شود مجازات مرگ را در بر خواهد داشت‌شود درصورتی

ماده ۱۵۱

: بند اول

اخلاقی که درواقع نقص عفت عمومی است رابطه جنسی با فردفردی که مرتکب جرم بی دیگری برقرار کند که لواط و زنا محسوب نشود به چهل ضربه شلاق و حداکثر یک سال زندان محکوم خواهد شد.

: بند دوم

به هشتاد ضربه‌اگر این جرم در مکان عمومی و یا بدون رضایت قربانی رخ دهد محکوم شلاق و دو سال زندان خواهد شد.

ماده ۱۵۲

:بند اول

کسی که در یک مکان عمومی با رفتار و اعمالش به نقص آشکار اخلاق عمومی برآید و با رفتار و پوشش ناشایست باعث آزار عموم شود به چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ادامه متن قانون

ماده ۱۵۳

بند اول :

برداری و یا دارا بودن مواردی اخلاق عمومی را نقض کند و به تجارت‌هرکسی که با عکس تولید آن بپردازد به یک ماه زندان و چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

بند دوم :

کسی که با مواردی اخلاق عمومی را نقض میکند با نمایش، تئاتر، باشگاه شبانه و یا در هر جای دیگری مرتکب چنین جرمی شود به شصت ضربه شلاق و سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۱۵۴

بند اول:

شخصی که مرتکب جرم فحشا شود باید به حداکثر صد ضربه شلاق و سه سال حبس محکوم شود.

ماده ۱۵۵

بند اول :

دهد تا از آن‌دهد یا اجازه می‌کند یا آن را اجاره می‌خانه را مدیریت می‌فردی که فاحشه خانه است، باید با صد ضربه شلاق و حبس به مدت پنج‌استفاده شود، با دانستن اینکه آنجا فاحشه سال محکوم شود.

بند دوم :

شده است با صد ضربه شلاق حد وموجب مقررات بند اول محکوم‌فردی که برای بار دوم به زندان به مدت ده سال مجازات خواهد شد.

بند سوم :

اگر مجرم برای بار سوم مرتکب این جرم شده باشد به اعدام و یا حبس ابد محکوم خواهد شد.

ادامه متن قانون

ماده ۱۵۶

هر فردی که دیگری را وسوسه میکند یا کمک کرده و یا او را استخدام میکند تا مرتکب فحشا زنا یا لواط شود به صد ضربه شلاق و پنج سال زندان محکوم خواهد شد.

ماده ۱۵۷

بند سوم :

شخصی که مرتکب جرم قذف میشود به هشتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۱۶۸

بند اول :

هرکسی مرتکب جرم محاربه شود مجازات خواهد شد :

الف) اعدام و سپس مصلوب کردن اگر باعث تجاوز به عنف شده باشد.

ب) بریدن دست راست و پای چپ اگر باعث آسیب جدی و سرقت مال شده باشد.

که مواردی غیر از بند الف و ب باشدساله درصورتیج) یک دوره حبس هفت.

ماده ۱۷۱

بند اول :

کسی که مرتکب جرم سرقت میشود به بریدن دست راست از مچ مجازات خواهد شد.

ماده ۱۷۷

بند اول :

توجهیمرتکب جرم خیانت فردی است که با انتقال و یا تخریب اموال و پول دیگران و یا بی ان را از صاحب به شخص دیگر و یا به نفع خود درآورده است و به مدت هفت سال زندان و دادن غرامت محکوم خواهد شد.

بند دوم :

اگر مجرم یک مقام رسمی و یا کارمند دولت باشد او به مدت چهارده سال زندان و یا اعدام محکوم خواهد شد.

جدول اول

هایی که میتوان قصاص کردها و زخم‌اندام.

۱ چشم کامل قابل برداشتن است.

۲ بینی تا حد پرده بینی

۳ ...

۴ شودلب از کاملاً بریده میشود و در برخی موارد برش داده می

۵ دندان اگر مجتمع پزشکی معتبر تشخیص دهد.

۶ زبان اگر یکسان بریده شود.

۷ دست باید تا مفصل قطع شود، و اگر بریدگی قربانی بیشتر از آن باشد باید دیه پرداخت شود.

۸ ...

۹ شده باشدوپا اگر از مفصل قطع‌انگشتان دست.

ادامه متن قانون

درباره جهان آرمانی

A MANIFESTO FOR UNIVERSAL FREEDOM

افکن آغاز شد: آیا انسان تنها معیارِ سنجشِ**جهان آرمانی** از یک پرسشِ ساده اما بن اند،حقیقت و عدالت است؟ در عصری که ساختارهای قدرت، مرزهای تفکر را محدود کرده این بستر پاسخی است برای بازتعریفِ همزیستی. در این فضا، آگاهی نه فقط یک ابزار، بلکه ای که برهای مذهبی و از سلطه‌های متحجر، از سرکوب‌خودِ مسیر است؛ مسیر عبور از نظام راندجسم و ذهنِ جانداران حکم می.

در گذر از تاریخ، انسان همواره خود را محورِ حقیقت دانسته است. اما جهان آرمانی، با ی تفکری‌بینی بر پایه‌کشبد. این جهان**پنداری،** این مرکزیت را به چالش می‌ی **جان**فلسفه داند. جان نه ابزار است، نه دارایی و نه‌شکل گرفته که موجودات زنده را فارغ از گونه، برابر می هاستتابعِ قدرت؛ بلکه جوهرِ زندگی است و آزادی، حقِ تمامی جان.

> محور دارد.محوری: استثمارِ جانداران و طبیعت، ریشه در ایدئولوژی انساننقدِ انسان
> ما به دنبال خروج از این مرکزیتِ کاذب هستیم.
> ی دیگری‌ای: عدالت زمانی معنا دارد که هیچ جانی تحت سلطه‌عدالتِ فراگونه
> ی خاصی نیستنباشد. حقِ زیستن، امتیازِ هیچ طبقه.

آغازگرِ این مسیر:

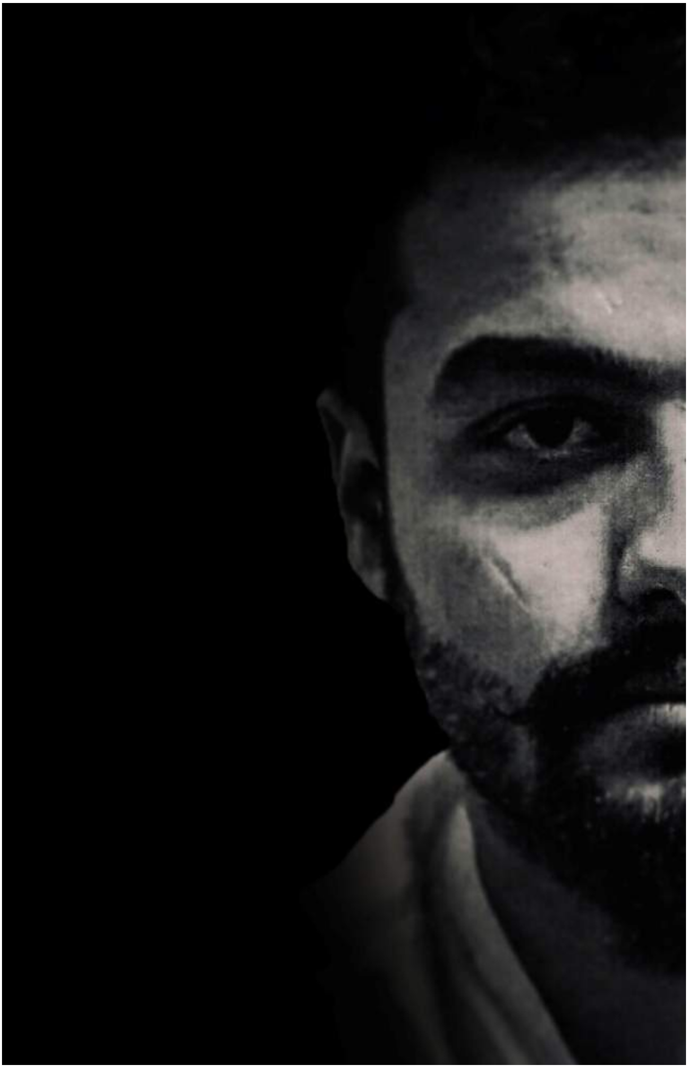
پنداری، برآیندِ جان‌ای، روایتی از یک زیستن است. جهان آرمانی و فلسفه‌هر اندیشه هایِ هستی در مسیرِ زندگیِ **نیما شهسواری** است؛ کسی‌ها تأمل، نوشتار و مواجهه با رنج‌سال ها را به ابزاری برای رهایی تبدیل کردکه با پخش آگاهی، واژه.

← روایتِ نیما شهسواری؛ از عصیان تا آگاهی

"Idealistic World begins with a fundamental question: Is human the sole measure of truth and justice? In an era where structures of power constrain thought, this platform is a manifesto to redefine coexistence, placing universal consciousness above all anthropocentric dominations."

نیما شهسواری؛ روایت یک بیداری

ARCHITECT OF THE JANGARA–ISM PARADIGM



گرایی»، نویسنده وگذار پارادایم فلسفی «جان**نیما شهسواری** (متولد ۱۳۶۸، مشهد)، بنیان

شاعری است که نگاشتن را از ۱۵ سالگی آغاز کرد. مسیر خلاقانه او به خلق بیش از ۵۰ جلد اثر های تحقیق، رمان، داستان و شعر انجامیده است. او در ۳۲ سالگی با اتخاذ تصمیمی‌در قالب اخلاقی و در مخالفت با غارت تن درختان و انحصار معرفت، تمامی آثار خود را به صورت دیجیتال در اختیار جامعه قرار دادرایگان و تمام.

> گرایی، باوری عمیق و رادیکال به اصالت، ارزش ذاتی و برابری بنیادین تمامی‌جان» ها، حیوانات و گیاهان􀀀در ساحت گیتی است.دار􀀀اعم از انسان‌موجودات جان زیستن در آزادی، پیش از آنکه حق باشد، یک رزمِ مداوم است.«

پنداری، «جان» نه امتیازِ انسان، بلکه جوهرِ مطلقِ حیات است که در نبضِی جان‌در فلسفه شدگی و نقدی انسان‌ست. نیما شهسواری با واسازی کارخانه‌یِ گیاه نیز جاری‌حیوان و ریشه الهیاتِ درندگی، رسالت وجودی خود را استقرار «قانون منع آزار» به عنوان یگانه اصل حاکم بر داندتمدنِ معنا می.

:مکتب فکری	گرایی‌پارادایم جان (Jangara-ism)
:حجم آثار	بیش از ۵۰ جلد کتاب و دیوان شعر
:ایدئولوژی نشر	دیجیتال، صیانت از درختان‌باز، تمام‌متن

***Nima Shahsavari** (b. 1989), the founder of the "Jangara-ism" philosophical paradigm, released his entire library of 50+ volumes for free, opposing the commercialization of thought and exploitation of trees. He defines life not as a human privilege, but as an interconnected network of equal conscious beings.*

بسترهای بیداری در جهان آرمانی

وگو جریان یابد. پادکست «**به نام جان**» باکند که در مسیر گفت‌تفکر تنها زمانی معنا پیدا می شده عبورهای تثبیت‌رویکردی بداهه و آزاد، تلاشی برای بیان تفکری است که از چارچوب .کند تا پلی میان اندیشه و شنونده باشدمی

مخزن کتابخانه آزاد آثار

تالار گفتمان دیالوگ و تبادل آگاهی

نام جان‌آرشیو پادکست به

های صوتی‌مخزن کتاب

هادیوان اشعار و سروده

های رسمی‌ها و پلتفرم‌شبکه

Spotify :اسپاتیفای | Castbox :باکس‌کست

Apple Podcasts :اپل پادکست

Internet Archive :بایگانی جامع دیجیتال

Goodreads Profile :شناسه کتابشناختی جهانی

YouTube :یوتیوب | Telegram :کانال تلگرام